



عهد و گفتگو

Jonathan Sacks
THE RABBI SACKS LEGACY

مطالعات SPIRITUALITY

از درسگفتارها و نوشتارهای ربای لرد جانانان ساکس

با سپاس از Schimmel Family برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو به نكوداشت یاد Harry (Chaim) Schimmel. "من از همان بار اول که با نسخه تفسیر توره ربای خیم شیمیل رویرو شدم تا اکنون، آنرا عزیز داشته ام. هدف آن نه فقط نشان دادن حقیقت ظاهری متن توره، بلکه رسیدن به حقیقت زهری است که در آن نهفته است. او به همراه همسر ستودنی اش آن در صحت سال زندگی مشترک، یک زندگی سرشار از عشق به خانواده، اجتماع و تورات ساختند. زوج بیمانندی که با نمونه زندگی خود، بینهایت الهام بخش من بوده اند." - ربای ساکس

تفسیر هفتگی تورات

Ha'azinu: The Spirituality of Song

هاآزینو: جنبه روحانی سرود

با هاآزینو ما به یکی از قله های روحانیت یهودی صعود می کنیم. موسی یک ماه تمام به مردم درس داده بود. تاریخ و مقصدشان و قوانینی را که از آنها جامعه ای یگانه در پیوند با عهد با خدا و با یکدیگر می ساخت را بازگفته بود. او عهد را بازسازی کرده و سپس رهبری را به شاگرد و جاشین خود یهوشوع سپرده بود. آخرین کار او برکت کردن قوم، قبیله به قبیله بود. اما پیش از آن یک کار دیگر باقی بود. می بایست پیام نبوت خود را به گونه ای جمعبندی کند که مردم همواره آنرا به یاد بیاورند و از آن الهام بگیرند. او می دانست که بهترین راه انجام این کار از راه موسیقی است. از این رو آخرین کاری که موسی قبل از رحلت خود و پیش از برکت کردن قوم انجام داد، سرودن یک سرود برای آنها بود.

موسیقی عنصری عمیقا روحانی دارد. وقتی که زبان رو به اعتلا می رود و روح می خواهد از جاذبه زمین رهایی یابد، سرود شکل می گیرد. تاریخ یهود چندان به شکل یک سرود خوانده نمی شود. حخامیم ده سرود در لحظه های کلیدی زندگی ملت یهود را برشمرده

اند. سرود بنی اسرائیل در مصر (یشعیا ۲۹:۳۰)، سرود دریای سرخ (خروج ۱۵)، سرود بر لب چاه آب (اعداد ۲۱)، و هاآزینو که سرود پایان عمر موسی بود. یهوشوع سرودی خواند (یهوشوع ۱۳-۱۲:۱۰). دבורا نیز چنین کرد (داوران ۵)، حنا (کتاب اول شمویل، باب ۲) و داوود (کتاب دوم شمویل باب ۲۲). سرود سلیمان یا شیر هشیریم [به فارسی غزل غزل های سلیمان] بود که ربی عقیوا در موردش گفت: "همه سرودها مقدسند اما شیر هشیریم مقدسترین است." ^۱ سرود دهم هنوز سروده نشده است و همان سرود ماشیح است. ^۲

بسیاری از متن های توراتی از قدرت موسیقی در بازسازی روح سخن گفته اند. وقتی که شائول افسرده بود، داوود برای او می نواخت و روح او زنده می شد. (کتاب اول شمویل ۱:۲۳). داوود "ترانه خوان محبوب اسرائیل" بود. الیشا چنگ نوازی را فرامی خواند تا روح نبوت بر او جاری شود (کتاب دوم پادشاهان ۳:۱۵). لوی ها در معبد آواز می خواندند. هر روز در یهودیت ما دعاهای صبحگاه را با *Pesukei de-Zimra* همراه مزامیر باشکوه ۱۵۰ می خوانیم که در اجرای آنها سازها و صدای انسانی به همراه یکدیگر، مدح خداوند را می گویند.

عارفان از این فراتر رفته و از سرود کائنات سخن می گویند که فیساغورث آنرا "موسیقی افلاک" می نامید. مزامیر ۱۹ همین مفهوم را در نظر دارد که می گوید: "افلاک جلال خداوند را می سرایند... آسمان ها گواه کار دستان او هستند... هیچ سخنی نیست در آنجا و کلامی نمی باشد. آنجا صدایی به گوش نمی رسد. موسیقی آنان ^۳ به زمین می رسد و

^۱ Mishnah, Yadayim 3:5.

^۲ Tanhuma, Beshallah, 10; Midrash Zuta, Shir HaShirim 1:1.

^۳ *Kavam*, literally "their line", possibly meaning the reverberating string of a musical instrument.

کلام آنها تا پایان دنیا می رود. " آفرینش در سکوت برای آفریدگار سرود می خواند و صدایش تنها در گوش درون شنیده می شود.

بنابر این، هنگام دعا ما نمی خوانیم، بلکه سرود سری می دهیم. وقتی ما متون مقدس را می خوانیم، قرائت نمی کنیم، بلکه می سراییم. در یهودیت هر متن را هر بار که می خوانیم، ملودی خاص خود را دارد. برای شخریت، مینخا و معریو یعنی دعاها صبح و ظهر و غروب آهنگ های متفاوت وجود دارد. برای ملودی ها و حالت های دعاخواندن در روز هفته، شبات یا جشن های زیارتی پسح، شاووعوت و سوکوت، ملودی ها و پرده های متفاوت وجود دارد (برای جشنواره ها ملودی های مشابه اما پرده های متفاوت خوانده می شوند) و برای *Yamim Noraim* یعنی رش هسانا و کپیور نیز ملودی ها و پرده های متفاوت وجود دارند.

برای خواندن آهنگین متون مختلف، پرده های گوناگون هست. یک گونه تحریر برای تورات هست و گونه های دیگر برای هفتاراها و کتب انبیاء و کتبیم و به ویژه پنج مقیلاها. یک سرود خاص هست برای خواندن متون نوشتاری در مورد تورات: میشنا و گمارا. پس فقط از روی موسیقی می توانیم بگوییم چه روزی است و چه متنی خوانده می شود. متون و زمان های یهودی توسط رمزگان موسیقایی متمایز می شود. نقشه کلمات مقدس در ملودی ها و سرودها ترسیم شده است.

موسیقی نیروی خارق العاده ای برای برانگیختن عواطف دارد. دعای کل نیدره که با آن یوم کپیور آغاز می شود، اصلا یک دعا نیست، بلکه یک فرمول حقوقی خشک برای باطل کردن نذرها است. بی هیچ شکی این ملودی باستانی و به یاد ماندنی آن است که آنرا در تخیل یهودیت این اندازه ماندگار کرده است. به سختی می توان آن نت ها را شنید و

احساس نکرد که در حضور خدا و در روز داوری هستیم، در کنار یهودیان همه مکان ها و زمان ها و به آسمان ها طلب بخشودگی داریم. این مقدسترین حالت روح یک یهودی است.⁴

همچنین نمی توانی در نهم ماه آو در حال خواندن اِخا - کتاب مرثیه های یرمیای نبی - با آن روش تحریر یگانه باشی و اشک های یهودیان در دوران های گوناگون، هنگام رنج بردن به خاطر ایمان خود و گریستن با یادآوری آنچه از دست داده اند و همان رنج روزهای ویرانی معبد را احساس نکنی. کلمات بدون موسیقی مانند جسم بدون روح هستند.

بتهوون روی دستنویس سومین موومان کوارتت مینور خود این کلمات را نوشت: *Neue Kraft fühlend* یعنی "احساس یک قدرت تازه". این چیزی است که موسیقی بیان می کند و برمی انگیزد. موسیقی، زبان عواطف رقیق نشده در بند فکر است. داوود پادشاه همین منظور را داشت که این کلمات را در ستایش خدا سرود: "تو اندوه مرا به رقص تبدیل کردی؛ تو پلاس زنده مرا از تنم درآوردی و مرا با شادمانی پوشاندی، و قلب من برای تو می خواند و خاموش نخواهد شد." اینجا قدرتی در روح انسانی احساس می کنی که هیچ وحشتی نمی توند آنرا بزداید.

الیویه ساکس (که متاسفانه هیچ خویشاوندی با من نداشت) در کتاب خود به نام *Musicophilia* داستان تکان دهنده کلیو ویرینگ، موسیقی شناس برجسته ای را بازمی گوید که دچار عفونت مغزی شد.

نتیجه اش فراموشی تند و ناگهانی بود. او هیچ چیز را بیش از چند ثانیه نمی توانست به خاطر بسپرد. به قول همسرش دبوراً "گویی هر لحظه بیداری او اولین بیداری اش بود."

⁴ Beethoven came close to it in the opening notes of the sixth movement of the C Sharp Minor Quartet op. 131, his most sublime and spiritual work.

او که نمی توانست تجربه هایش را به هم ربط دهد، در زمان حالی بی پایان گرفتار شده بود که هیچ پیوندی با چیزی در گذشته نداشت. روزی همسرش او را دید که شکلاتی در دست داشت و مرتب کاغذ آنرا باز می کرد و با دست دیگر می بست و هر بار می گفت: "نگاه کن نو است". همسرش می گفت: "این همان شکلات است"، اما او پاسخ می داد: "نه. نگاه کن تغییر کرد!". او هیچ گذشته ای نداشت.

دو چیز انزوای او را شکست. یکی عشق او به همسرش بود. دیگری، موسیقی بود. او هنوز می توانست آواز بخواند، ساز بنوازد و یک گروه همسرایان را با همه مهارت های گذشته خود رهبری کند. ساکس پرسید که موسیقی چه داشت که او را قادر به غلبه بر فراموشی خود هنگام خواندن، نواختن و رهبری می کرد؟ به نظر او وقتی ما یک ملودی را به یاد می آوریم، هر نت را جداگانه به یاد می آوریم ولی هر نت همچنان به کل وابسته است. او از ویکتور زاگرکندل فیلسوف موسیقی نقل می کرد: "شنیدن یک ملودی یعنی شنیدن آن در گذشته، حال و آینده همزمان. هر ملودی به ما اعلام می کند که گذشته بدون یادآوری و آینده بدون پیش بینی می توانند حاضر باشند." موسیقی شکلی از پیوستگی حس شدنی است که گاه می تواند شدیدترین گسست های تجربه ما از زمان را برطرف کند.

ایمان بسیار شبیه تر به موسیقی است تا به علم.⁵ علم تجزیه و تحلیل می کند، موسیقی پیوند می دهد. همان گونه که موسیقی هر نت را به دیگری ارتباط می دهد، ایمان در یک ملودی که به زمان راه می یابد، رویداد را به رویداد ارتباط می دهد، زندگی را به زندگی، زمانه را

⁵ I once said to the well-known atheist Richard Dawkins, in the course of a radio conversation, "Richard, religion is music, and you are tone deaf." He replied, "Yes, it's true, I am tone deaf, but there is no music."

به زمانه. خداوند آهنگساز و نویسندهٔ اپرا است. ما هر یک به گروه همسرایی سرود خداوند فراخوانده می شویم. ایمان یعنی توانایی شنیدن موسیقی از پس سرو صدا. پس موسیقی یک نشانهٔ امر متعالی است. فیلسوف و موسیقیدان راجر سکروتون می نویسد که موسیقی "دیدار با مفهوم ناب است که از دنیای اشیاء ناب آزاد شده و فقط به سوی قوانین آزادی حرکت می کند".⁶ او از ریلکه نقل قول می آورد: "کلمات همچنان به آرامی به سوی ناگفتنی ها می گرایند / و موسیقی همواره تر و تازه از سوی سنگ های درخشان / در فضایی بی استفاده، خانهٔ خدایی خود را می سازد.⁷ تاریخ روح یهودی درون سرودهایش نوشته شده است.

یک بار معلمی را دیدم که به کودکان تفاوت میان مالکیت مادی و معنوی را یاد می داد. او از آنها خواسته بود که یک مدل کاغذی از یروشالایم بسازند. سپس، در آن دوران ضبط صوت، نوار کاست سرودی درمورد یروشالایم را برای آنها پخش کرد و آنرا به کودکان یاد داد. معلم در پایان آن جلسه کار جالبی کرد. او مدل کاغذی را خراب کرد و نوار کاست را شکست. از کودکان پرسید: "آیا ما همچنان مدل کاغذی را داریم؟" آنها پاسخ دادند: "نه". سپس پرسید: "آیا ما هنوز نوار کاست را داریم؟" آنها پاسخ دادند: "بله!".

ما مالکیت های مادی را از دست می دهیم، اما مالکیت های معنوی از دست ما بیرون نمی روند. ما موسای فیزیکی را از دست دادیم، اما هنوز سرود او را داریم.

شبات شالوم

⁶ Roger Scruton, *An Intelligent Person's Guide to Philosophy*, Duckworth, 1996, p. 151.

⁷ Rilke, *Sonnets to Orpheus*, II, p. 10.

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط شیریندخت
دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org     @RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved